

## قانون منع حجاب در فرانسه و هورا کثی حزب کمونیست کارگری

حقیقت شماره 14 اسفند 1382

طرح قانون منع حجاب در مدارس فرانسه توسط ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه، بحث و جدلهای حادی در میان مردم اروپا بویژه زنان براه انداخت. جدال سیاسی حول این مسئله، موجب شکل گیری صف بندی های متنوع، متضاد و گاه مغشوش در تائید یا مخالفت با این قانون شده است.

اکثریت نیروهای انقلابی و مترقی در فرانسه و جهان به افشای این قانون و اهداف آن پرداختند. برخی نیروهای سیاسی ایرانی چون حزب کمونیست کارگری با ذوق زدگی مفرط تحت عنوان دفاع از سکولاریسم و لائیسته و حقوق زنان به دفاع از این طرح بورژوازی فرانسه پرداختند.

البته در این میان، سردمداران جمهوری اسلامی، یعنی گردانندگان زن ستیزترین و قرون وسطایی ترین رژیم دنیا، ناگهان مدافع آزادی پوشش، آزادی عقیده و بیان و آزادی مذهب شدند و از ژاک شیراک خواستند که این قانون را به کناری نهد. تیغ بر کفانی مدافع «آزادی پوشش و مذهب و عقیده» شده اند که صورت هزاران هزار زن را به دلیل بی حجابی و بدحجابی شکافته اند و خون هزاران انسان لامذهب و یا کسانی که مذهبی دیگر داشتند بر عبا و عمامه و دستانشان نقش بسته است. وظیفه هر زن و هر فرد کمونیست، انقلابی و مترقی ایرانی است که به افشای جمهوری اسلامی بپردازد و مانع از آن شود که این از گور بر آمدگان تاریخ جانی و مفری برای خود در این جدال بیابند.

برای زنان ایرانی که با گوشت و پوست خود رنجهای ناشی از حکومت مذهبی و حجاب اجباری را حس کرده اند، براحتی قابل فهم است که چرا حجاب نمادی است از اسارت زن و بی حقوقی کامل آنان. حجاب یوگی است بر گردن جامعه و طی 25 سال گذشته نقش مهمی در سرکوب زنان و مهار روحیه طغیان گرانه آنان توسط حکومت مذهبی و همچنین مردان داشته و دارد. یکی از مسائل پیشاروی جنبش زنان در ایران آن است که چگونه می توان از این یوغ قرون وسطایی رها شد، چگونه می توان از شر حکومت مذهبی خلاص شد؟ زیرا این دو مسئله با رهایی زنان ارتباط نزدیک دارد و مستقیماً به افق و دورنمای سیاسی و اهداف و روشهای مبارزاتی زنان برای رهایی از مرد سالاری و رهایی کل جامعه از ستم و استثمار ربط دارد.

ما در این مقاله نشان خواهیم داد که قانون پیشنهادی منع حجاب در فرانسه، یک قانون ارتجاعی است و بهیچوجه اهداف مترقی را دنبال نمی کند. ما ضمن بر ملا ساختن اهداف سیاسی بورژوازی فرانسه به رد نظرات حزب کمونیست کارگری ایران خواهیم پرداخت.

### موضوع چیست؟ اهداف واقعی کدامند؟

پس از مدتها بحث و جدل درون هیئت حاکمه فرانسه، سرانجام ژاک شیراک در 17 دسامبر گذشته طرح قانون ممنوعیت استفاده از هرگونه پوشش یا علامت مذهبی نمایان توسط دانش آموزان را تائید کرد و از مجلس فرانسه خواست که آنرا تصویب کند. او اعلام کرد: «مدرسه مکان مقدس جمهوریت است که باید از آن بعنوان مکان برابری برای یادگیری زن مرد دفاع کرد، مدرسه بهیچوجه مکان تبلیغ یا رد هیچ مذهبی نیست. دانش آموزان که همگی برای اجرای آداب مذهبی خود آزاد هستند، بهیچوجه نباید از مدرسه بعنوان مکانی برای اجرای آن استفاده کنند» شیراک این قانون را منکی بر اصول لائیسته و پایه های جمهوریت فرانسه دانست و گفت این اصول برای تضمین یکپارچگی فرانسه و ایجاد توازن جامعه باید رعایت شود.

اگرچه این قانون شامل علامت صلیب و کلاه مخصوص یهودیان نیز می گردد ولیکن همگان می دانند که آماج اصلی این قانون مسلمانان و دخترانی که در مدارس حجاب بر سر می کنند می باشند.

پس از طرح این قانون توسط شیراک، کارزار تبلیغاتی بزرگی در رسانه های فرانسه براه افتاد. برای مدتی کانالهای تلویزیونی فرانسه جولانگاه موافقان و مخالفان این قانون شد. این رسانه ها از یکسو به زنان محجبه مخالف این قانون میدان دادند و از

سوی دیگر مانع آن شدند که جریان‌های مترقی و سازمان‌های فمینیستی مخالف این قانون نمود چندان پیدا کنند.

طنز قضیه این است که دولت فرانسه، طی سال‌های اخیر، امکانات زیادی جهت تبلیغ اسلام در میان جوانان عرب ساکن کشورهای اطراف پاریس اختصاص داده است. 1500 مسجد و انجمن اسلامی در فرانسه بازگشایی شده است. دولت فرانسه که ادعای لائیک بودن می‌کند، هشتاد درصد بودجه مدارس کاتولیک را تامین می‌کند که در آنها دومیلیون دانش آموز مشغول به تحصیل هستند. 1 ( طی چند سال گذشته مدارس مذهبی کلیمی نیز از رشد 120 درصدی برخوردار بوده است. تا آنجائیکه به آمارها مربوط است در میان بیش از دو میلیون دختر دانش آموز تنها حدود هزار تا دو هزار دختر دانش آموز در مدارس حجاب بر سر می‌کنند؛ یعنی کمتر از نیم درصد از جمعیت پانصد هزار نفری دانش آموزانی که به خانواده‌های مسلمان تعلق دارند. برای یک ذهن جستجوگر نیاز به کنکاش زیادی نیست تا در یابد که این قانون پیشنهادی شیراک ربطی به دفاع از حقوق زنان و کودکان، دفاع از لائیسته و محدود کردن نقش مذهب در زندگی مردم فرانسه ندارد و بیشتر به اهداف سیاسی دولت فرانسه ربط دارد.

دولت فرانسه از یکسو حجاب را برای دختران دانش آموز در مدارس فرانسه ممنوع می‌کند اما از سوی دیگر تحت عنوان نسبیت فرهنگی از حجاب زن ایرانی و افغانی و ... دفاع می‌کند. سربازان فرانسوی در افغانستان از لویه جرگه پاسداری می‌کنند تا جمهوری اسلامی افغانستان تصویب شود.

هر فردی می‌تواند از زاویه «آزادی پوشش» به مخالفت با این قانون برخیزد و این مخالفتی بجاست. اما نمی‌توان به این حد اکتفا کرد. برای افشای عوامفریبی دولت فرانسه باید اهداف سیاسی این قانون را در نظر گرفت. فقط با در نظر گرفتن حاکمیت سیاسی و اوضاع سیاسی مشخص می‌توان به خصلت و ماهیت هر قانونی پی برد. این قانون را فقط بر پایه تضادهای جامعه فرانسه و بطوری کلی بر پایه مناسبات طبقاتی که مشخصاً در فرانسه و جهان امروز حاکم است می‌توان تحلیل کرد.

فرانسه یک کشور امپریالیستی است، نظامش بر پایه ستم و استثمار خلق‌های جهان و طبقه کارگر فرانسه می‌چرخد. بی‌حقوقی و استثمار شدید کارگران مهاجر خصوصیت برجسته جامعه فرانسه است. کارگران مهاجری که عمدتاً از کشورهای عرب زبان شمال آفریقا هستند و از بعد از جنگ دوم جهانی تا کنون نقش مهمی در بازار کار فرانسه داشته‌اند. این کارگران تا سی سال پیش حتی حق انتقال اعضای خانواده‌های خود را به فرانسه نداشتند. مثل هر کشور امپریالیستی، ثبات و رفاه نسبی در فرانسه مدیون غارت و استثمار خلق‌های ستمدیده جهان در سه قاره آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین می‌باشد. تحقیر ملیتها، تحقیر زنان و برخورد راسیستی به خارجی‌ان در اشکال پنهان و آشکار بخشی از فرهنگ همیشگی طبقه حاکمه در فرانسه بوده و هست.

هدف اصلی این قانون، دامن زدن به جو سرکوبگرانه در کل جامعه فرانسه است. طبقه حاکم فرانسه نیاز به این حرکت سرکوبگرانه دارد و آمیجش هم نیروی معینی است. آمیجش افشار تحتانی طبقه کارگر، مشخصاً کارگران مهاجر است. سالهاست که وضعیت کشورهای فرانسه بحرانی است و هر از چندگاهی شاهد شورش‌های خونت آمیز جوانان است. کمتر جوان گتو نشینی است که طعم زور و قلدری و تحقیر و سرکوب و ضرب و شتم پلیس فرانسه را نچشیده باشد. قصد این طرح آفریدن فضای سرکوبگرانه قانونی علیه این افشار تحتانی است. اگر بخواهیم مقایسه کنیم این کارزار شبیه کارزار ضد مواد مخدر در آمریکا است که در دهه هشتاد میلادی در زمان ریاست جمهوری ریگان علیه سیاهپوستان آن کشور برافزاد. این قانون ربطی به لائیسته و برابری زن و مرد ندارد و اساساً یک حرکت سیاسی سرکوبگرانه است. اتفاقی هم نیست که در این کارزار بورژوازی فرانسه اساساً عناصر بنیادگرای مذهبی و روشنفکران عرب دارای افکار ارتجاعی را به صحنه می‌آورد. می‌خواهد با یک تیر دو نشان بزند. از یک طرف جریان‌های راست اسلامی را به سخنگوی توده‌های عرب بدل کنند و از سوی دیگر، بر روی طبقات میانی فرانسه در جلب حمایتشان از این جو سرکوبگرانه تأثیر بگذارند و پایه اجتماعی دست راستی‌های فرانسه را گسترده کنند.

«پاسکال دروآود» رئیس کمیته روابط خارجی حزب اتحاد برای جنبش ملی (حزب حاکم که شیراک رهبر آن است) هدف قانون

ارائه شده از جانب شیراک را صریحتر و رک تر بیان کرد. او گفت «در حال حاضر، ما متوجه شدیم که مسئله یکپارچگی ملت فرانسه با موانع اقلیتهای قومی و دینی برخورد کرده است و این موضع با منافع ملی فرانسه همخوانی ندارد... چالش اصلی برای ما در این مسئله حفظ وحدت جامعه فرانسه است» (2)

ایجاد «وحدت ملی» کنه این مسئله است و چارچوبی است که جوانب مربوط به این قانون را باید در متن آن قرار داد و بررسی کرد. باید در نظر داشت که «وحدت ملی» در کشورهای امپریالیستی خصیلتی ارتجاعی دارد و مترادف با شونیسم امپریالیستی است. امپریالیستها برای حفظ تقسیم پایه ای جهان به ملل ستمگر و ملل ستمدیده، نیازمند آنند که در کشورهای خود مدام بر روحیه شونیستی علیه خلقهای جهان دامن زنند. البته چنین شونیسمی در کشورهای امپریالیستی از پایه عینی برخوردار است. بورژوازی امپریالیستی با استفاده از سودهای کلانی که از فعالیتهای اقتصادی انحصاری در کشورهای سه قاره آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین میبرد، به بخشهایی از اهالی خود، منجمله به اشرافیت کارگری، رشوه می پردازد تا حکومت خویش را باثبات نگه دارد.

شکاف بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه ابعاد غول آسایی به خودگرفته و بیش از پیش نسل جوان انقلابی در کشورهای امپریالیستی را تحت تاثیر خود قرار داده است. همین نسل جوان انقلابی پایه اصلی پیشبرنده جنبش ضد گلوبالیزاسیون می باشد. بورژوازی فرانسه با دامن زدن به احساسات ضد خارجی می خواهد مانع از گسترش این گرایش انقلابی در میان جوانان فرانسوی شود. در شرایطی که امپریالیسم فرانسه با بحرانهای جدی و رقابتهای حاد با دیگر امپریالیستها روبروست، بیش از پیش نیازمند دامن زدن به روحیات شونیستی است. فرانسه نیازمند «وحدت ملی» است تا از پس بحران کنونی بر بیاید؛ از همینرو تصمیم گرفته با تحرك بخشیدن به شونیسم عظمت طلبانه فرانسوی، توده های تحتانی را سرکوب کند و طبقات میانی فرانسه را با خود متحد کند. **طرح قانون منع حجاب بخشی از این کارزار ایدئولوژیک بورژوازی فرانسه در موقعیت کنونی جهان نیز می باشد.**

پای نیاز ایدئولوژیک و یک توجیه ایدئولوژیک برای بسیج پایه های خودی در میان است. بسیج پایه ها برای اهداف بزرگتر بورژوازی فرانسه در دوره ای که در پیش است». وحدت ملی «لازمست تا بورژوازی فرانسه بتواند در جهان پر آشوب کنونی از یکسو در سرکوب خلقهای تحت ستم جهان نقش خود را ایفاء کند و از سوی دیگر بتواند دوش بدوش آمریکا قرار گیرد و رقابتهایش را پیش ببرد». ملت فرانسه «باید برای شرکت در جنگهای ارتجاعی امپریالیستی آماده و بسیج شود. سربازان فرانسوی باید قانع شوند که در راه منافع ملی فرانسه بکشند و کشته شوند تا جمهوری فرانسه پا برجا بماند.

بورژوازی فرانسه به همان کاری که پس از یازده سپتامبر در آمریکا صورت گرفت، نیاز دارد. بورژوازی فرانسه مانند بورژوازی آمریکا نیاز به یک عامل متحد کننده در داخل کشور خود دارد. دمکراسی غربی باید در مقابل یک ضد دمکراسی خود را نشان دهد و توجیه کند. هدف و آماج تراشیدن برای نظام سیاسی غرب با توجه به تحولات جاری دنیا یک نیاز است. قانون منع حجاب علاوه بر دامن زدن به جو سرکوبگرانه در جامعه فرانسه، در جهت تقویت شونیسم امپریالیستی نیز می باشد.

اینهاست پایه ای ترین اهدافی که بورژوازی فرانسه از طرح چنین قوانینی می خواهد بر آورده کند. اینکه بورژوازی فرانسه بر خلاف بورژوازی آمریکا به بنیاد گرایی فاشیستی مذهبی روی نمی آورد و برای خلق افکار عمومی به لائیسته متوسل می شود، بیانگر تفاوت بنیادین در مضمون شونیسم امپریالیستی نیست. تفاوت در شکل است. تفاوتی که ریشه در ویژگی های تاریخی فرهنگی این کشور، مناسبات طبقاتی درونی این کشور، و مهمتر از آن در موقعیت بین المللی اش دارد. فرانسه به اعمال جو سرکوبگرانه علیه اقشار تحتانی جامعه نیاز دارد. این است محرک واقعی بورژوازی فرانسه در اعلان وفاداریش به «لائیسته». قانون منع حجاب بورژوازی فرانسه ربطی به منافع زنان و اکثریت مردم جهان ندارد.

(ادامه دارد)

\*\*\*\*\*

در بخش بعدی این مقاله به استدلال‌های حزب کمونیست کارگری پرداخته می‌شود.

از نظر رهبران این حزب: از آنجائیکه اسلام سیاسی دشمن عمده مردم جهان است و مبارزه علیه آن در اساس و جوهر خود مبارزه بین سوسیالیسم و کاپیتالیسم در آغاز قرن بیست و یکم است! باید از قانون پیشنهادی شیراک حمایت کرد! آنها می‌گویند این اقدامی در جهت لائیسته، سکولاریسم و مذهب زدائی از جامعه است و فرصتی را برای آزادی و برابری فراهم می‌کند. از نظر آنان قانون منع حجاب در فرانسه نه تنها به نفع زنان و کودکان است بلکه گامی در جهت رسیدن به هویت جهانشمول انسانی می‌باشد!

ما ضمن رد نظرات فوق و افشای اهداف سیاسی رهبران این حزب در پیوستن به این کارزار بورژوازی فرانسه به موضوعاتی چون رابطه «تضاد عمده جهان» و اسلام سیاسی، لائیسته و حقوق زنان، رابطه حقوق فردی و جمعی، دولت و خانواده و مسئله حجاب و سرانجام چگونگی خلاصی زنان از حجاب و بقیه اشکال ستم بر زن بیشتر خواهیم پرداخت.

### توضیحات

1) يك نمونه از مدافعین سر سخت قانون منع حجاب «ژاک میارو» شهردار یکی از مناطق پاریس و عضو مجلس ملی فرانسه است. او ظاهراً یکی از موافقین سرسخت دولت سکولار است و کتابی هم در این رابطه نوشته است که در همه جا به فروش می‌رسد. اخیراً در افشاگریهائی که صورت گرفت مشخص شد که این قهرمان مدافع سکولاریسم واسط آن شد که در «مزون لافایت» یک مدرسه کاتولیک با 750 دانش آموز ایجاد شود. او کارزاری را برای کنترل بر مدارس اسلامی براه انداخته است. در فرانسه تنها یک دبیرستان تمام وقت اسلامی در شهر «لیل» موجود است که پس از هشت سال مذاکره با دولت اجازه فعالیت یافت.

2) قابل ذکر است که کلیه جناحهای بورژوازی فرانسه در رابطه با اتخاذ این سیاست متحد می‌باشند. مخالفتی که اینجا و آنجا توسط پاره ای از سخنگویان احزاب راست بورژوازی فرانسه به چشم می‌خورد، ربطی به مخالفتی که از جانب نیروهای مترقی فرانسه صورت می‌گیرد، ندارد. این مخالفتها بخشی از عوامفریبی پوپولیستی برای کارزارهای انتخاباتی و دعوای قدرت و چگونگی اجرای این سیاست است. «فی المثل» سرکوزی (وزیر کشور کنونی) که همه از او به نام «بوش فرانسه» نام می‌برند و در حال گذراندن ارتجاعی ترین قوانین است و مدتی است در مقابل شیراک قد علم کرده است. با این پیشنهاد شیراک مخالفت کرده است. او نه مخالف سرکوب است و نه طرفدار حجاب». سرکوزی «اتفاقاً به روشنفکران ارتجاعی عرب فراخوان داده است که متشکل بشوید و انجمنهای اسلامی درست کنید و واسط مسلمانان با دولت فرانسه بشوید. بحث او این است که از این طریق بهتر می‌توان توده های عرب را کنترل کرد. البته» سرکوزی «از این طریق می‌خواهد در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه رای پایه های حزب سوسیالیست فرانسه را نیز به خود اختصاص دهد. همان گونه که زمانی» لوپن «رهبر حزب فاشیستی «جبهه ملی» آرای بخشی از پایه های حزب رویزیونیست فرانسه موسوم به» حزب کمونیست فرانسه «را به خود جلب کرد.